

تلفظ فعل مضارع اخباری در دو گونه گفتاری و خوانداری زبان فارسی و ضرورت و نحوه آموزش آن به غیرفارسی‌زبانان

الهام بابایی^۱

چکیده

مقاله حاضر به مقایسه فعل در دو گونه خوانداری / نوشتاری و گفتاری و ضرورت آموزش آن به غیرفارسی‌زبانان می‌پردازد. سخنگویان زبان، اغلب از تغییراتی که در طول زندگی در زبانشان پدید می‌آید آگاه نیستند. با توجه به اصل اقتصاد و همچنین اصل کم کوشی، افراد می‌کوشند تا راحت‌ترین راه و ساده‌ترین تلفظ را به کار گیرند. در نتیجه تغییر و تحول در صورت گفتاری همواره رخ می‌دهد و نوشتار کماکان ثابت می‌ماند. تغییرات زبانی در تمامی حوزه‌های زبان صورت می‌گیرد. در این مقاله تغییرات آوایی میان گونه گفتاری و گونه خوانداری / نوشتاری در فعل مضارع اخباری بررسی می‌شود. به سبب وجود رادیو و تلویزیون و سهولت ارتباطات و تقریباً همگانی شدن سواد، فارسی گفتاری، بسیار گسترده شده و همه مردم آن را به کار می‌برند. بنابراین توصیف و تدوین کتاب فارسی گفتاری پس از فارسی نوشتاری در اولویت است. از طرفی غیرفارسی‌زبانانی که فارسی می‌آموزند، علاوه بر فراگرفتن فارسی نوشتاری نیاز دارند که فارسی گفتاری رسمی را نیز بیاموزند و حتی بسیاری از آنان فقط به فراگرفتن فارسی گفتاری نیاز دارند. در این مقاله، نگارنده تغییرات آوایی را که در میان صورت‌های مضارع مشترک است دسته‌بندی کرده تا آموزش آنها با نظمی خاص و یادگیری آنها آسان‌تر، ساده‌تر و سریع‌تر صورت پذیرد.

کلید واژه‌ها:

تحلیل فعل ساده، مضارع اخباری، گونه گفتاری فعل، گونه خوانداری / نوشتاری فعل، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان.

۱. کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه علامه طباطبایی.

(elham_b73@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲

۱. مقدمه

هر یک از جوامع بشری به طور طبیعی و عادی برای ارتباط با یکدیگر از زبان خاصی استفاده می‌کنند. هنگامی که شخصی تصمیم به ایجاد ارتباط زبانی می‌گیرد، ابتدا از بین گونه‌های اجتماعی زبان خود متناسب با شرایط بیرونی، متأثر از سه عامل ۱- چه کسی سخن می‌گوید ۲- موضوع سخن چیست ۳- در کجا سخن می‌گوید گونه‌ی زبانی مناسبی را انتخاب می‌کند. «زبان به عنوان یک وسیله‌ی ارتباطی دارای دو گونه‌ی بسیار مهم است: یکی زبان گفتاری^۱ و دیگری زبان غیرگفتاری^۲. منظور از زبان غیرگفتاری زبانی است که برای مقاصد غیر از گفتار معمولی روزانه به کار می‌رود؛ مانند زبان ادبیات، زبان علمی، زبان مذهبی و جز آن» (ثمره، ۱۳۸۶: ۲۸).

«البته اشتراکات چشمگیر میان گونه‌های گفتاری زبان عامه^۳، زبان گفتاری^۴، زبان فارسی عامیانه^۵، فارسی گفتاری^۶، زبان گفت‌وگوی طبقات بی‌سواد^۷، فارسی گفتاری امروز^۸، بسیاری از ایران‌شناسان را بر آن داشته است که زبان گفتاری مشترک فارسی‌زبانان را در تقابل با گونه‌ی ادبی - نوشتاری زبان فارسی بررسی کنند» (بی‌سیکوف، ۱۳۸۰: ۱۷)

تا سال‌های اخیر موضوع تحقیق زبان‌شناسان، گونه‌ی اول یعنی زبان گفتاری بود. به سخن دیگر، تنها زبان گفتاری بود که توجه پژوهشگران زبانی را به خود جلب می‌کرد؛ زیرا چنین تصور می‌شد که زبان گفتاری ابزاری است که مورد استفاده‌ی همه‌ی افراد جامعه است؛ در حالی که سایر گونه‌های زبان دامنه‌ی کاربردشان محدود و استفاده‌کنندگان آنها نیز محدودند. از سوی دیگر، «زبان گفتاری هسته‌ی مرکزی ارتباط را تشکیل می‌دهد و دیگر انواع زبان گونه‌هایی هستند که از زبان گفتاری مشتق شده‌اند ولی از لحاظ ساخت^۹ با آن فرقی

۱. casual

۲. non-casual

۳. Langue Populaire

۴. Langue Parle

۵. Langue Persane Vulgaire

۶. Colloquial Persian

۷. Conversational Language of the Uneducated Classes

۸. Modern Persian Colloquial

۹. structure

ندارند» (ثمره، ۱۳۸۶: ۳۰).

زبان فارسی معیار دارای دو گونه گفتاری و خوانداری / نوشتاری است. از گونه گفتاری در محاوره استفاده می‌شود و ما فارسی‌زبانان آن گونه را که در گفتار استفاده می‌کنیم، در نوشتار به کار نمی‌بریم. در گونه گفتاری تلفظ، ساده‌تر و در عین حال، انتقال معنا در آن نیز کمتر وابسته به متن است. در گونه گفتاری ما تغییرات آوایی را داریم که در این مقاله به تفاوت میان دو گونه گفتاری و خوانداری در حوزه فعل اشاره می‌شود و همچنین قوانینی مطرح می‌شود که این تغییرات طبق آن صورت گرفته‌است. ابتدا پیشینه‌ای از پژوهش‌ها در این حوزه و همچنین افرادی که به تفاوت‌های گونه گفتاری و خوانداری / نوشتاری در سایر حوزه‌های زبان پرداخته‌اند، تهیه شده و سپس در چارچوب نظری تعریفی از گونه گفتاری، گونه خوانداری / نوشتاری، فعل، ساختمان فعل، بُن مضارع و مضارع اخباری داده شده‌است. در ادامه به جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده و در نتیجه‌گیری مشخص شده که تغییرات در بعضی از افعال دارای شباهت‌هایی است که این امر می‌تواند روند آموزش آن به غیرفارسی‌زبانان را ساده‌تر نماید.

۲. پرسش‌های تحقیق

با توجه به تفاوت گونه‌های گفتاری و نوشتاری در زبان، این پژوهش تغییرات در حوزه فعل مضارع را بررسی می‌کند. بنابراین در پی پاسخ به پرسش‌های زیر هستیم:

۱. تغییرات آوایی و تفاوت آنها در دو گونه گفتاری و خوانداری فعل مضارع اخباری چگونه است؟

۲. الزام و نیاز آموزش دو گونه گفتاری و خوانداری فعل مضارع اخباری به غیرفارسی‌زبان کدام است؟

فرضیه‌های این پژوهش:

۱. مسلماً بین دو گونه گفتاری و خوانداری فعل مضارع اخباری تفاوتی وجود دارد.
۲. با توجه به اینکه سطح تسلط زبانی فارسی‌آموزان خارجی را هنگامی می‌توان در سطح پیشرفته ارزیابی کرد که توان استفاده به‌جا از گونه‌های زبانی متفاوت را داشته باشند، آموزش تفاوت گونه‌های گفتاری و خوانداری فعل مضارع ضروری است.

نوع پژوهش و روش کار:

روش پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و داده‌مبنا با نگاه هم‌زمانی به افعال و تحلیل و توصیف تفاوت‌های فعل در گونه گفتاری می‌باشد. محوریت موضوع، فعل‌های ساده زبان فارسی در گونه گفتاری است که با استناد به کتاب‌های معتبر و مقالات نوشته شده داخلی درباره افعال زبان فارسی گردآوری شده است. بدین شکل که هرچند مواد خام این پژوهش داده‌های گردآورده شده نگارنده است، اما تلاش شده تا گردآوری داده‌ها، طبقه‌بندی و تحلیل آنها بر پایه منابع شناخته‌شده این حوزه انجام پذیرد.

۳. پیشینه پژوهش

درباره گونه‌های زبان و نیز گونه محاوره و زبان شکسته در زبان فارسی، کتابها و مقالاتی نوشته شده است. به نظر صادقی (۱۳۷۵) در مقاله «زبان معیار» زبان فارسی در حال حاضر دارای دو گونه معیار است؛ گونه معیار نوشتاری و گونه معیار گفتاری. فارسی معیار نوشتاری به آن گونه‌ای از زبان فارسی گفته می‌شود که در عصر حاضر به عنوان وسیله ارتباط زبانی^۱ در کتاب‌های درسی و نوشته‌های علمی و روزنامه‌ها و نامه‌های اداری و رسمی به کار می‌رود. این زبان در مجموع زبان درس‌خوانندگان و روشنفکران است. همین زبان است که هنگام آموزش به غیرفارسی‌زبانان درس داده می‌شود.

ساپیر^۲ (۲۰۱۴) بر این عقیده بود که جهان مدرن برای همه زبان‌ها وضعیت خاصی پیش آورده که در گذشته سابقه نداشته است. در این عصر پدیده‌ها و مفاهیم تازه با سرعتی شگفت‌انگیز زاده می‌شوند و بشر ناگزیر از آن استفاده می‌کند و برای این کار از همه امکانات زبان خود بهره می‌گیرد. و از آنجا که زبان ایستا نیست و پیوسته در حال تغییر است و این تغییرات در دو محور جغرافیایی و اجتماعی به صورت مجموعه‌ای از متغیرها عینیت پیدا می‌کند، وجود یک شبکه ثابت قوانین، مطلوب‌سازی این مجموعه را در قالب یک گونه واحد زبانی الزام‌آور کرده است.

در ارتباط با تغییرات زبانی، افراد بسیاری در حوزه فعل‌های فارسی و همچنین

۱. communication

۲. Edward Sapir

مقایسه فعل فارسی با افعال سایر زبانها، تحقیقاتی انجام داده‌اند. افرادی نیز به تفاوت‌های گونه گفتاری و خوانداری در سایر حوزه‌های زبان پرداخته‌اند. کامیار (۱۳۸۴) در کتاب خود دستور زبان فارسی گفتاری به همه حوزه‌های زبان گفتاری از جمله فعل هم اشاره کرده‌است.

اسکندری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به موضوع حذف در زبان فارسی و تأثیر آن بر آموزش زبان، پرداخته و به روش استقرایی، مواردی را بررسی کرده است که در آنها حذف بدون پیامد دیگری به صورت تبدیل یا جابجایی رخ داده باشد.

نگارنده با واقف بودن به تلاش محققان پیشین در این حوزه‌ها و ارج نهادن به نتایج تحقیقات، موضوع مقاله خویش را فقط از افعال پرسامد ساده زبان فارسی گفتاری انتخاب نموده و مقایسه دو گونه گفتاری و خوانداری را فقط در مضارع اخباری انجام داده‌است.

۴. مفاهیم بنیادی

مهم نیست که ما زبان را چگونه تعریف کنیم، مهم اینست که طبیعت زبان را بشناسیم و چگونگی کار آن را دریابیم. زبان وقتی از قوه به فعل می‌آید یا به صورت گفتار است یا به صورت نوشتار.

هر زبان دارای گونه‌های فردی، محلی و اجتماعی متفاوتی است که به وسیله افراد و گروه‌های اجتماعی گوناگون در مناطق جغرافیایی مختلف و در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت به کار گرفته می‌شوند. مدرسی (۱۳۶۸). در جایی دیگر می‌نویسد: در ترکیباتی مانند گونه رسمی، گونه گفتاری، گونه نوشتاری و گونه معیار گونه مفهوم عام‌تری دارد.. صادقی (۱۳۷۵) گونه‌های زبانی را گونه علمی، گونه رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و گونه ادبی تقسیم‌بندی می‌کند. ثمره (۱۳۸۶) معیارهای فرهنگی گونه‌های زبانی برای تشخیص زبان گفتاری از غیر گفتاری را با این تقسیم‌بندی ذکر می‌کند:

۱. گفتارهای غیر گفتاری^۱ که محدود به یک وقت معین و جای معین هستند.
۲. هنگامی که کلام غیر گفتاری در جای نامناسب یا وقت نامناسب یا حتی توسط شخصی نامناسب به کار می‌رود، همه کسانی که متعلق به آن زبان و فرهنگ هستند، عدم تناسب آن را به آسانی درک می‌کنند.

۱. non-casual utterances

۳. آموزش و تمرین و داشتن انگیزه بخصوص در نحوه کاربرد زبان غیر گفتاری شرط ضروری است. در صورتی که در مورد زبان گفتاری اهمیت چندانی ندارد.
۴. دامنه کاربرد و استفاده از زبان غیرگفتاری در مقایسه با زبان گفتاری بسیار محدود است.
- ثمره همچنین در جایی دیگر می نویسد: هر زبان دارای یک ساختمان است که بر زبان گفتاری مبتنی است و گونه‌های دیگر، مثلاً زبان شعر، نثر، علمی، رسمی و جز آن، از این ساخت ناشی شده و در واقع گونه‌هایی از آن به شمار می‌روند.
- صفارمقدم (۱۳۹۱) گونه‌های زبانی را شامل موارد ذیل می‌داند:
۱. **خوانداری**: یعنی همان خواندن متن‌های مکتوب است. شکل خوانداری با شکل نوشتاری جز در ابزار بیان که صوت است، تفاوتی ندارد. خواندن متن خبر و مطالب رسمی دیگر از رادیو و تلویزیون و ... نمونه‌هایی از کاربرد این گونه شمرده می‌شود.
 ۲. **ادبیانه**: این گونه کم‌ترین فاصله و تفاوت را با گونه نوشتاری دارد. ادبا و مقامات رسمی در سخنرانی‌های مختلف و ... از آن استفاده می‌کنند و کاملاً رسمی و جدی است.
 ۳. **معیار**: این گونه، زبان گفت‌وگو میان تحصیل‌کردگان و فرهنگیان جامعه است که بر پایه فارسی گفتاری رایج در تهران شکل گرفته و در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و مدارس به آن تدریس می‌شود. این گونه با ادب و احترام همراه است و هم در روابط رسمی با مقامات بالاتر کاربرد دارد و هم در روابط غیررسمی و دوستانه.
 ۴. **گفتاری**: گونه غیر رسمی زبان است که با گونه معیار وجوه اشتراک زیادی دارد و کاربران آن عموم مردم اعم از تحصیل کرده و دیگران بویژه جوانان هستند.
 ۵. **عامیانه**: گونه‌ای که در میان طبقات پایین، کم / بی‌سواد به کار می‌رود. کاربردهای جاهلی یا چاله‌میدانی نمونه افراطی آن شمرده می‌شود.
- تعریف رواقی (۱۳۹۳) از گونه بدین شکل است که گونه کاربردی از زبان است که می‌تواند در یک حوزه جغرافیایی و در یک دوره زمانی به کار گرفته شود. از این روی گونه را برابر variant قرار داده است. گونه زبانی را به دو بخش گفتاری و نوشتاری تقسیم می‌کند:
- گونه گفتاری**: زبان گفتاری مردم یک حوزه جغرافیایی خاص، در یک دوره زمانی است که می‌تواند از زبان‌ها، گونه‌ها و گویش‌های موجود در آن حوزه تأثیر پذیرفته باشد.
- گونه نوشتاری**: به گونه‌ای از زبان گفته می‌شود که به دور از ساخت‌ها و ویژگی‌های گویشی و محلی باشد.

با توجه به تعاریف بالا می‌توان گفت که زبان فارسی گونه یکدست و یکسانی ندارد، بلکه از اجتماع گونه‌های بی‌شماری ترکیب شده است که از جهات مختلف آنها را می‌توان طبقه‌بندی کرد. این گونه‌های بی‌شمار زبان، همه دارای یک هسته مشترک هستند، ولی در پاره‌ای خصوصیات مربوط به دستور، واژگان و ساختمان صوتی با هم اختلاف دارند. حال با توجه به آنچه گفته شد گونه‌های زبان فارسی را می‌توان اینگونه تقسیم کرد:

- گونه‌های فارسی از نظر زمان: فارسی باستان، فارسی میانه، فارسی نو.
- گونه‌های فارسی از نظر مکان: تهرانی، اصفهانی، شیرازی، یزدی، ...
- گونه‌های فارسی از نظر کاربرد: فارسی علمی، فارسی ادبی، فارسی اداری، فارسی روزنامه‌ای، ...
- گونه‌های فارسی از نظر رابطه اجتماعی گوینده و شنونده: دوستانه، رسمی، خودمانی، بالادست، زبردست، ...
- گونه فارسی از نظر وسیله بیان: گونه گفتاری، گونه نوشتاری.

در اکثر زبان‌ها بین هنجارهای گفتار و نوشتار تفاوت وجود دارد. یعنی مردم در گفتار، الگوهای دستوری یا واژه‌هایی را به کار می‌برند که هرگز نمی‌نویسند یا به ندرت می‌نویسند و همچنین در نوشته واژه‌ها یا الگوهای را به کار می‌برند که در گفتار نمی‌آورند. اختلاف بین گفتار و نوشتار در بعضی زبان‌ها کم است ولی در بعضی دیگر این شکاف وسیع است. زبان فارسی از زبان‌هایی است که بین گونه گفتاری و خوانداری / نوشتاری آن، تفاوت بسیاری وجود دارد.

۴-۱. تعاریف

- گونه گفتاری: یعنی گونه‌ای که همه‌ی افراد در طول شبانه روز بدان سخن می‌گویند.
- گونه نوشتاری: متن نوشته شده را گونه نوشتاری می‌گویند.
- گونه خوانداری: اگر متنی که به گونه نوشتاری نوشته شده است، خوانده شود یعنی به صورت شفاهی بیان شود، آن را گونه خوانداری می‌نامیم.

۴-۲. فعل، فعل ساده، بن مضارع و مضارع اخباری.

اجزاء تشکیل دهنده جمله «گروه‌ها» هستند؛ گروه اسمی، گروه فعلی و

گروه قیدی، گروه‌های سازنده جمله هستند. مهم‌ترین عضو گزاره، گروه فعلی است. از میان تعریف‌های گوناگونی که از فعل مضارع شده است، نگارنده به سه تعریف زیر از بن مضارع بسنده کرده است. این تعریف‌ها برگرفته از منابعی هستند که اختصاصاً به زبان گفتاری پرداخته‌اند.

وحیدیان کامیار (۱۳۸۴) می‌نویسد گرچه در زبان فارسی بن اصلی، بن مضارع است و در فعل‌های باقاعده بن ماضی از بن مضارع به اضافه تکواژهای ماضی ساز درست می‌شود، اما با توجه به افعال بی‌قاعده می‌توان گفت که دو بن ماضی و مضارع وجود دارد؛ اما در فارسی گفتاری بعضی از فعل‌ها دارای سه بن ماضی، مضارع و امر هستند. مانند: آوردن، انداختن، شستن، گفتن، خواستن و شانزده فعل، دارای سه بن هستند و علت آن تغییراتی چون حذف و ابدال است که در آنها صورت گرفته است.

ده فعل در فارسی گفتاری هست که بن مضارع آنها دو هجایی است. در این فعل‌ها دومین واج «e یا «o» است که در بن مضارع این واکه حذف می‌شود و در این صورت همخوان در آخر هجای پیشوندی قرار می‌گیرد. مانند miseporam که در فارسی گفتاری می‌شود misporam و افعالی مانند شنیدن، شناختن، فرستادن و

عمرانی، سبطی (۱۳۹۰) معتقدند بن مضارع به آن بخش از فعل مضارع گفته می‌شود که در همه ساخت‌ها و زمان‌های مضارع آن فعل مشترک است.

طباطبایی (۱۳۹۴) در کتاب خود می‌نویسد زبان فارسی برای اینکه مفهومی را در قالب فعل بیان کند عمدتاً دو امکان در اختیار دارد: استفاده از فعل ساده (خوردن و ...) و استفاده از فعل مرکب (تماشا کردن و ...). در دهه‌های اخیر، شماری از متخصصان علوم در واژه‌سازی علمی فعل‌های ساده را بر فعل‌های مرکب ترجیح داده‌اند. فعل‌های ساده‌ای که آنان استفاده کرده‌اند به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه نخست فعل‌های مهجوری هستند که در فارسی امروز کاربرد ندارند. مانند آغازیدن. گروه دوم فعل‌های تبدیلی هستند مانند: اکسیدن، قطبیدن.

فعل ساده: واحدی صرفی است برخلاف فعل مرکب که واحدی نحوی است. در میان اجزای فعل ساده نمی‌توان عناصر دیگر گنجانند. مثلاً اندیشیدم

← اندیش + ید + م نمی‌توان عنصر دیگری به آن اضافه کرد در حالی که در فعل مرکب فکر کردن می‌توان گفت فکر بکری کردم.

تعداد فعل‌های ساده که در سطوح مختلف زبان به کار می‌روند حداکثر به ۳۰۰ فعل می‌رسد و تعداد افعال متداول تبدیلی حداکثر ۶۰ فعل است. در زبان فارسی برای بیان مفاهیم مورد نظر خود عمدتاً از فعل‌های مرکب استفاده می‌شود.

طباطبایی (۱۳۷۶) می‌نویسد: برای ساختن ستاک حال، ریشه فعل از طریق اشتقاق صفر به ستاک حال تبدیل می‌شود: ریشه‌ی فعل + Ø ← ستاک حال.

۵. تحلیل داده‌ها

فعل‌هایی در فارسی گفتاری به کار می‌رود که در فارسی نوشتاری اصلاً معمول نیست یا لااقل در نثر ادیبانه به کار نمی‌رود. بعضی از آنها کاربرد عامیانه دارند مانند «اخیدن» به معنی اخ کردن. اما بعضی عامیانه نیست مانند: پاشیدن. بعضی از فعل‌ها در فارسی نوشتاری کاربرد دارد اما در فارسی گفتاری به کار نمی‌رود. مانند: نوشیدن، نامیدن، وزیدن و ... «بعضی از فعل‌ها برای همه‌ی تحصیل‌کردگان چندان مفهوم نیست مانند: کاویدن، هشتن و ... و بعضی را نیز فقط خواص و اهل مطالعه، بویژه خوانندگان متون کهن درمی‌یابند مانند: یازیدن، موییدن و ...» (کامیار، ۱۳۸۴: ۴۲).

طباطبایی (۱۳۷۶) در کتاب خود تعداد کل فعل‌های ساده را ۴۸۷ فعل نوشته‌است. شیوه انتخاب آنها بدین گونه است که برای فارسی‌زبانان دست‌کم فارسی‌زبانان تحصیل‌کرده، شناخته شده باشد. شامل فعل‌هایی چون: میراندن، زایاندن و ... که ۶۷ فعل را تخصصی و ۴۲۰ فعل را از فعل‌های متداول می‌داند.

الف - فعل‌های متداول شامل

۱. فعل‌های سببی و گذرای تبدیلی مانند پوساندن

۲. فعل‌های دو مصدری مانند کوبیدن و کوباندن

۳. فعل‌های اصلی که ۳۰۴ فعل است.

ب - فعل‌های تخصصی مانند اکسیدن.

کامیار (۱۳۸۴) فعل‌های ساده را ۱۰۴ فعل نام برده‌است.

نگارنده ابتدا تمام فعل‌های ساده زبان فارسی را استخراج کرده و از بین آنها افعال پربسامد گفتاری را انتخاب نموده و بر اساس حروف الفبا طبقه‌بندی کرده است. سپس تمام سازه‌های مضارع اخباری در دو گونه گفتاری و خوانداری دسته‌بندی و در جدولی تمام تغییرات آوایی را ثبت کرده است. نوع تغییر (حذف، اضافه، تبدیل ...) مشخص و قواعد حاکم بر آنها معلوم شده است. ذکر این نکته لازم است که در این مقاله از فعل‌های جدید مانند ترشیدن، چرییدن، چپیدن، سُردن، قاپیدن، کپیدن، لهیدن، لمیدن، لنگیدن، ماسیدن و ... صرف نظر شده است. همچنین از افعال سببی، یعنی افعال لازمی که با اضافه شدن (ân) متعددی می‌شوند؛ مانند: پریدن ← پراندن، پرانیدن / چسبیدن ← چسباندن، چسبانیدن و ... استفاده نشده است.

فعل‌های ساده در زبان فارسی

فهرست افعال ساده فارسی این تحقیق عبارتند از:

- آ: آوردن، آمدن، آموختن، آزدن، آشفتن، آمیختن، آلودن، آفریدن، آزمودن، آراستن، آشامیدن، آمرزیدن، آویختن، آسودن.
- ا: ایستادن، افتادن، انداختن، انگیختن، افراشتن، افسردن، افروختن، اندیشیدن، اندوختن، ارزیدن، افکندن، انگاشتن، افشاندن، افزودن.
- ب: بودن، بُردن، بافتن، بستن، بریدن، باریدن، بوسیدن، باختن، بلعیدن، بخشیدن، بایستن.
- پ: پاشیدن، پرداختن، پختن، پژمردن، پنداشتن، پراکندن، پیراستن، پیوستن، پروراندن، پذیرفتن، پرسیدن، پوشیدن، پیمودن، پریدن، پرستیدن، پسندیدن، پوسیدن، پیچیدن.
- ت: توانستن، تراشیدن، تازیدن، تافتن، تکاندن، ترسیدن، تاییدن، تاختن، ترکیدن.
- ج: جوییدن، جهیدن، جوشیدن، جُستن، جنگیدن، جُستن، جُنبیدن.
- چ: چسبیدن، چیدن، چرخیدن، چشیدن، چکیدن، چلانیدن، چریدن.
- خ: خواندن، خوردن، خواستن، خاریدن، خوابیدن، خریدن، خندیدن، خاستن، خروشدیدن، خزیدن، خشکیدن.
- د: دادن، دیدن، دوختن، داشتن، دویدن، دانستن، دریدن، درخشیدن، دزدیدن، دمیدن، دوشیدن.
- ر: رفتن، ریختن، رسیدن، رُفتن، روییدن، رُستن، رقصیدن، رَمیدن، رهیدن، رانیدن،

- ربودن، رنجیدن.
- ز: زدن، زایدن، زیستن، زُودن.
- س: سوختن، سپردن، ستودن، ساختن، ساییدن، سُرآیدن، سنجیدن، سرودن.
- ش: شدن، شنیدن، شناختن، شستن، شمردن، شکافتن، شکستن، شگفتن، شوریدن، شتافتن.
- ط: طلبیدن.
- غ: غلتیدن.
- ف: فروختن، فرستادن، فریفتن، فرمودن، فشردن، فرسودن، فهمیدن.
- ق: قبولانیدن.
- ک: کشیدن، کُشتن، کردن، کاشتن، کاویدن، کاستن، کوبیدن، کوشیدن، کندن.
- گ: گفتن، گذاشتن، گذشتن، گرفتن، گشتن، گزیدن، گسیختن، گرداندن، گذاختن، گردیدن، گماردن، گسترده، گسستن، گریستن، گریختن، گُشودن، گنجیدن، گنبدیدن، گریختن.
- ل: لرزیدن، لغزیدن، لیسیدن.
- م: مردن، ماندن، مالیدن، مکیدن.
- ن: نوشتن، نوشیدن، نشستن، نواختن، نگاشتن، نالیدن، نامیدن، نگریستن، نهادن، نمودن، نهفتن، نازیدن.
- و: ورزیدن.
- ی: یافتن.

تعداد وقوع افعال ساده گونه گفتاری بر حسب درصد

آمدن	۴/۲	خوردن	۲/۰۴	ساختن	۳/۲	گذشتن	۱/۶
آوردن	۳/۲	داشتن	۱۳/۸۸	شستن	۲/۴	گرفتن	۱/۸۴
انداختن	۲/۰۴	دانستن	۳/۰۶	شکستن	۱/۶	گفتن	۱۳/۰۶
بردن	۳/۲	دیدن	۵/۷۱	شنیدن	۱/۲	نالیدن	۱/۲۲
خواستن	۳/۶	رسیدن	۱/۸۴	فرستادن	۱/۴	نشستن	۱/۰۲
خواندن	۳/۲	رفتن	۲/۰۴	گذاشتن	۱/۲۲	نوشتن	۲/۴۵

جدول طبقه‌بندی افعال ساده پربسامد گفتاری و تفاوت میان دو گونه گفتاری و خوانداری و تغییرات آوایی

	Pâvardan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-Pâvar- am	mi-yâr-am
دوم شخص مفرد	mi-Pâvar-i	mi-yâr-i
سوم شخص مفرد	mi-Pâvar-ad	mi-yâr-e
اول شخص جمع	mi-Pâvar-im	mi-yâr-im
دوم شخص جمع	mi-Pâvar-id	mi-yâr-id
سوم شخص جمع	mi-Pâvar-and	mi-yâr-an

تبدیل P آغازی به y، حذف va در تمام صیغه‌ها

	Pâmadan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-Pây- am	mi-yâ-m
دوم شخص مفرد	mi-Pâ P-i/ mi-yâ P-i	mi-yâ-i
سوم شخص مفرد	mi-Pây-ad/ mi- yâ-y-ad	mi-yâ-d
اول شخص جمع	mi-Pây-im	mi-yâ-im
دوم شخص جمع	mi-Pây-id	mi-yâ-id
سوم شخص جمع	mi-Pây-and	mi-yâ-nd

در تمام صیغه‌ها جایابی α و y، حذف a در شناسه اول و سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع، حذف P میانجی

	Pistâdan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-Pist-am	vây-mi-s-am
دوم شخص مفرد	mi-Pist-i	vây-mi-s-i
سوم شخص مفرد	mi-Pist-ad	vây-mi-s-e
اول شخص جمع	mi-Pist-im	vây-mi-s-im
دوم شخص جمع	mi-Pist-id	vây-mi-s-id
سوم شخص جمع	mi-Pist-and	vây-mi-s-an

حذف P و t از ریشه فعل در تمام صیغه‌های صرفی و اضافه vây به ابتدای صیغه‌ها

	ʔandâxtan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-ʔandâz-am	mi-ndâz-am
دوم شخص مفرد	mi-ʔandâz-i	mi-ndâz-i
سوم شخص مفرد	mi-ʔandâz-ad	mi-ndâz-e
اول شخص جمع	mi-ʔandâz-im	mi-ndâz-im
دوم شخص جمع	mi-ʔandâz-id	mi-ndâz-id
سوم شخص جمع	mi-ʔandâz-and	mi-ndâz-an

حذف ʔa در تمام صیغه‌ها در گونه گفتاری

	Budan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-bâš-am	hast-am/ h-am/ -ʔâm/ -am
دوم شخص مفرد	mi-bâš-i	hast-i/ -ʔi
سوم شخص مفرد	mi-bâš-ad	hast/ -ʔâst/ -ye/ -e
اول شخص جمع	mi-bâš-im	hast-im/ -im
دوم شخص جمع	mi-bâš-id	hast-id/ -id
سوم شخص جمع	mi-bâš-and	hast-and/ -ân/ -an

مضارع فعل بودن در حالت گفتاری تبدیل به هستن می‌شود و گاهی فقط صرف شناسه داریم.

	Bâridan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-bâr-am	mi-bâr-am
دوم شخص مفرد	mi-bâr-i	mi-bâr-i
سوم شخص مفرد	mi-bâr-ad	mi-bâr-e
اول شخص جمع	mi-bâr-im	mi-bâr-im
دوم شخص جمع	mi-bâr-id	mi-bâr-id
سوم شخص جمع	mi-bâr-and	mi-bâr-an

فقط از سوم شخص مفرد این فعل استفاده می‌شود.

	Pâšidan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-pâš-am	mi-pâč-am
دوم شخص مفرد	mi-pâš-i	mi-pâč-i
سوم شخص مفرد	mi-pâš-ad	mi-pâč-e
اول شخص جمع	mi-pâš-im	mi-pâč-im
دوم شخص جمع	mi-pâš-id	mi-pâč-id
سوم شخص جمع	mi-pâš-and	mi-pâč-an

تبدیل š (همخوان بی‌واک، سایشی) به č (همخوان بی‌واک، انسایشی). č تشکیل شده از t و š

	Terkidan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-terk-am	mi-ter(e)k-am
دوم شخص مفرد	mi-terk-i	mi-ter(e)k-i
سوم شخص مفرد	mi-terk-ad	mi-ter(e)k-e
اول شخص جمع	mi-terk-im	mi-ter(e)k-im
دوم شخص جمع	mi-terk-id	mi-ter(e)k-id
سوم شخص جمع	mi-terk-and	mi-ter(e)k-an

گاهی افزایش e در گونه گفتاری

	Tavânestan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-tavân-am	mi-tun-am
دوم شخص مفرد	mi-tavân-i	mi-tun-i
سوم شخص مفرد	mi-tavân-ad	mi-tun-e
اول شخص جمع	mi-tavân-im	mi-tun-im
دوم شخص جمع	mi-tavân-id	mi-tun-id
سوم شخص جمع	mi-tavân-and	mi-tun-an

حذف av از ریشه فعل، تبدیل ā به u

	Ĵavidan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-Ĵav-am	mi-Ĵoʔ-am
دوم شخص مفرد	mi-Ĵav-i	mi-Ĵoʔ-i
سوم شخص مفرد	mi-Ĵav-ad	mi-Ĵoʔ-e
اول شخص جمع	mi-Ĵav-im	mi-Ĵoʔ-im
دوم شخص جمع	mi-Ĵav-id	mi-Ĵoʔ-id
سوم شخص جمع	mi-Ĵav-and	mi-Ĵoʔ-an

حذف av از بن فعل مضارع و تبدیل آن به oʔ

	Ĉelāndan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-Ĉelān-am	mi-Ĉelun-am
دوم شخص مفرد	mi-Ĉelān-i	mi-Ĉelun-i
سوم شخص مفرد	mi-Ĉelān-ad	mi-Ĉelun-e
اول شخص جمع	mi-Ĉelān-im	mi-Ĉelun-im
دوم شخص جمع	mi-Ĉelān-id	mi-Ĉelun-id
سوم شخص جمع	mi-Ĉelān-and	mi-Ĉelun-an

تبدیل ā به u

	Xāstan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-xāh-am	mi-xā-m
دوم شخص مفرد	mi-xāh-i	mi-xā-i
سوم شخص مفرد	mi-xāh-ad	mi-xā-d
اول شخص جمع	mi-xāh-im	mi-xā-im
دوم شخص جمع	mi-xāh-id	mi-xā-id
سوم شخص جمع	mi-xāh-and	mi-xā-n

حذف h از ریشه فعل در تمام صیغه‌ها، حذف a شناسه در صیغه‌های اول و سوم شخص مفرد، حذف a و d در سوم شخص جمع

	Dâdan	
	گونه گفتاری	گونه خوانداری و نوشتاری
اول شخص مفرد	mi-d-am	mi-dah-am
دوم شخص مفرد	mi-d-i	mi-dah-i
سوم شخص مفرد	mi-d-e	mi-dah-ad
اول شخص جمع	mi-d-im	mi-dah-im
دوم شخص جمع	mi-d-id	mi-dah-id
سوم شخص جمع	mi-d-an	mi-dah-and

حذف a و h از بن فعل مضارع

	Dâštan	
	گونه گفتاری	گونه خوانداری و نوشتاری
اول شخص مفرد	mi-dâr-am	mi-dâr-am
دوم شخص مفرد	mi-dâr-i	mi-dâr-i
سوم شخص مفرد	mi-dâr-e	mi-dâr-ad
اول شخص جمع	mi-dâr-im	mi-dâr-im
دوم شخص جمع	mi-dâr-id	mi-dâr-id
سوم شخص جمع	mi-dâr-an	mi-dâr-and

نکته: از فعل «داشتن» فقط به صورت بن مضارع + شناسه (دارم، داری، دارد، داریم، دارید، دارند) در گونه گفتاری استفاده می‌شود.

	Davidan	
	گونه گفتاری	گونه خوانداری و نوشتاری
اول شخص مفرد	mi-doʔ-am	mi-dav-am
دوم شخص مفرد	mi-doʔ-i	mi-dav-i
سوم شخص مفرد	mi-doʔ-e	mi-dav-ad
اول شخص جمع	mi-doʔ-im	mi-dav-im
دوم شخص جمع	mi-doʔ-id	mi-dav-id
سوم شخص جمع	mi-doʔ-an	mi-dav-and

تبدیل a (واکه پیشین، افتاده) به o (واکه پسین، میانه) و تبدیل v به ʔ میانجی برای سهولت در تلفظ

	Raftan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-rav-am	mi-r-am
دوم شخص مفرد	mi-rav-i	mi-r-i
سوم شخص مفرد	mi-rav-ad	mi-r-e
اول شخص جمع	mi-rav-im	mi-r-im
دوم شخص جمع	mi-rav-id	mi-r-id
سوم شخص جمع	mi-rav-and	mi-r-an

حذف av از بن مضارع

	zâ'idan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-zây-am	mi-zâ-m
دوم شخص مفرد	mi-zây-i	mi-zâ-i
سوم شخص مفرد	mi-zây-ad	mi-zâ-d/ mi-zây-e/ mi-zâ-e
اول شخص جمع	mi-zây-im	mi-zâ-im
دوم شخص جمع	mi-zây-id	mi-zâ-id
سوم شخص جمع	mi-zây-and	mi-zâ-n

حذف a در شناسه اول و سوم شخص مفرد، حذف a و d در سوم شخص جمع، حذف y از بن فعل در تمام صیغه‌ها

	sepo(â)rdan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-sepo(â)r-am	mi-spo(â)r-am
دوم شخص مفرد	mi-sepo(â)r-i	mi-spo(â)r-i
سوم شخص مفرد	mi-sepo(â)r-ad	mi-spo(â)r-e
اول شخص جمع	mi-sepo(â)r-im	mi-spo(â)r-im
دوم شخص جمع	mi-sepo(â)r-id	mi-spo(â)r-id
سوم شخص جمع	mi-sepo(â)r-and	mi-spo(â)r-an

حذف e از بن فعل مضارع در گونه گفتاری

	Šodan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-šav-am	mi-š-am
دوم شخص مفرد	mi-šav-i	mi-š-i
سوم شخص مفرد	mi-šav-ad	mi-š-e
اول شخص جمع	mi-šav-im	mi-š-im
دوم شخص جمع	mi-šav-id	mi-š-id
سوم شخص جمع	mi-šav-and	mi-š-an

حذف av از بن مضارع

	Šekastan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-šekan-am	mi-ška(u)n-am
دوم شخص مفرد	mi-šekan-i	mi-ška(u)n-i
سوم شخص مفرد	mi-šekan-ad	mi-ška(u)n-e
اول شخص جمع	mi-šekan-im	mi-ška(u)n-im
دوم شخص جمع	mi-šekan-id	mi-ška(u)n-id
سوم شخص جمع	mi-šekan-and	mi-ška(u)n-an

حذف e از بن فعل مضارع، گاهی تبدیل a به u

	Foruxtān	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-foruš-am	mi-fruš-am
دوم شخص مفرد	mi-foruš-i	mi-fruš-i
سوم شخص مفرد	mi-foruš-ad	mi-fruš-e
اول شخص جمع	mi-foruš-im	mi-fruš-im
دوم شخص جمع	mi-foruš-id	mi-fruš-id
سوم شخص جمع	mi-foruš-and	mi-fruš-an

حذف o از بن مضارع

	Fahmidan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-fahm-am	mi-fam-am
دوم شخص مفرد	mi-fahm-i	mi-fam-i
سوم شخص مفرد	mi-fahm-ad	mi-fam-e
اول شخص جمع	mi-fahm-im	mi-fam-im
دوم شخص جمع	mi-fahm-id	mi-fam-id
سوم شخص جمع	mi-fahm-and	mi-fam-an

حذف h از بن مضارع

	Goftan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-guy-am	mi-g-am
دوم شخص مفرد	mi-guy-i	mi-g-i
سوم شخص مفرد	mi-guy-ad	mi-g-e
اول شخص جمع	mi-guy-im	mi-g-im
دوم شخص جمع	mi-guy-id	mi-g-id
سوم شخص جمع	mi-guy-and	mi-g-an

حذف u از بن مضارع و حذف y میانجی

	Gozâstan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-gozâr-am	mi-zâr-am
دوم شخص مفرد	mi-gozâr-i	mi-zâr-i
سوم شخص مفرد	mi-gozâr-ad	mi-zâr-e
اول شخص جمع	mi-gozâr-im	mi-zâr-im
دوم شخص جمع	mi-gozâr-id	mi-zâr-id
سوم شخص جمع	mi-gozâr-and	mi-zâr-an

حذف go از ابتدای بن مضارع در تمام صیغه‌ها

	Nešastan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-nešin-am	mi-šin-am
دوم شخص مفرد	mi-nešin-i	mi-šin-i
سوم شخص مفرد	mi-nešin-ad	mi-šin-e
اول شخص جمع	mi-nešin-im	mi-šin-im
دوم شخص جمع	mi-nešin-id	mi-šin-id
سوم شخص جمع	mi-nešin-and	mi-šin-an

حذف ne از ابتدای بن مضارع در گونه‌ی گفتار

۶. نتیجه گیری

تمام تغییرات ایجاد شده در فعل مضارع اخباری در جدول داده‌ها حاکی از آن است که محرک‌های اصلی در تغییرات آوایی، ناگزیر بودن انسان از ارتباط و نیز میل به کم‌کوشی و یا ساده‌تر و آسان‌تر کردن تلفظ فعل در گفتار می‌باشد. تغییرات زبانی، منظم و قانون‌مندند و می‌توان آنها را به طور دقیقی تبیین کرد. این تغییرات بدین گونه است:

- بعضی از فعل‌ها در گونه‌ی گفتاری و نوشتاری آنها تغییری ایجاد نشده است. فقط شناسه سوم شخص مفرد تبدیل به e و در شناسه سوم شخص جمع حذف d را داریم. مانند: بردن، پختن، نالیدن ...
- در گونه‌ی گفتاری شناسه دوم شخص جمع را in نیز می‌گوییم.
- بن مضارع در چند فعل تبدیل به یک صامت شده است. مانند: رفتن، شدن، گفتن، دادن، ایستادن.
- اگر واکه اول بن مضارع a باشد، حذف نمی‌شود. مانند: تراشیدن، لرزیدن، گشتن ...
- اگر بن فعل به واکه ختم شود، واج میانجی حذف شده در نتیجه حذف a در شناسه را داریم. مانند: خواستن.
- اگر بن مضارع فعل دو هجایی بوده و واکه اول آن e یا o باشد، در گونه‌ی گفتاری حذف می‌شود. مانند شکستن، گذاشتن، فرستادن، سپردن، فروختن، شمردن ...
- اگر در بن مضارع فعل â باشد در گونه‌ی گفتاری تبدیل به u می‌شود.

- افعالی که در بن مضارع آنها av وجود دارد گاهی کاملاً حذف شده مانند رفتن، توانستن و گاهی تبدیل به o? شده است مانند جويدن، دويدن.

با نتایج حاصل از این پژوهش فرضیه اول که مبین این موضوع است که میان دو گونه گفتاری و خوانداری فعل مضارع اخباری تفاوت وجود دارد و تغییراتی رخ می‌دهد، ثابت شد. مهم‌ترین تمایز کاربردی زبان که از وسیله بیان ناشی می‌شود تمایز گفتار و نوشتار است. تفاوت بین گونه گفتاری و نوشتاری در زبان فارسی در طیفی از کم‌ترین تا بیشترین قرار دارد. درک عمیق مسائل یادگیری زبان اول و دوم به‌ناچار توجه به موضوع متغیرهای زبانی را طلب می‌کند. به دلیل اختلافات زیاد گفتار و نوشتار در زبان فارسی، آموزش این زبان به عنوان زبان خارجی برای غیرفارسی‌زبانان دشواری‌هایی به همراه دارد. بنابراین آموزش این دو گونه برای غیرفارسی‌زبانان ضروری است و باید در کتب درسی آنان گنجانده شود. هر چند هنوز در حوزه گفتار و نوشتار جای تحقیق وجود دارد.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، مریم (۱۳۹۱)، «بررسی تغییرات فعل در گونه فارسی خودمانی»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، استاد راهنما: دکتر ویدا شقاقی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. ابومحیوب، احمد (۱۳۷۵)، ساخت زبان فارسی. تهران: نشر میترا.
۳. احمدی گیوی، حسن؛ انوری، حسن (۱۳۸۵)، دستور زبان فارسی ۱. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی.
۴. اسکندری، بهاء‌الدین (۱۳۹۶)، «نگاهی دوباره به قاعده حذف در زبان فارسی شکسته»، مطالعات آموزش زبان فارسی، سال سوم، شماره ۵، صص ۳۱-۶۰.
۵. باطنی، محمدرضا (۱۳۶۴)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان. تهران: امیرکبیر.
۶. پی‌سیکوف، لازار (۱۳۸۰)، لهجه تهرانی. تهران: نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۷. ثمره، یدله (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی زبان. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۸. جهانگیری، نادر (۱۳۷۸). زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه، تهران: آگاه.
۹. رحیمیان، جلال (۱۳۸۹)، ساخت زبان فارسی، شیراز: دانشگاه شیراز.
۱۰. رواقی، علی (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی زبان فارسی»، تهران: روزنامه اطلاعات، ۲۲ مرداد.
۱۱. صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۵)، «زبان معیار»، درباره زبان فارسی (برگزیده مقاله‌های نشر دانش)، زیر نظر نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۲. صفارمقدم، احمد (۱۳۹۱)، «گونه‌های گفتاری و نوشتاری در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان»، تهران: مجله زبان‌شناخت، سال سوم، شماره دوم، صص ۴۵-۶۸.
۱۳. طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۷۶)، فعل بسیط فارسی و واژه‌سازی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۴. طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۹۴)، واژه‌سازی و دستور، (مجموعه مقالات). تهران: کتاب بهار.
۱۵. عمرانی، غلامرضا، سبطی، هامون (۱۳۹۰)، زبان فارسی (جلد دوم) راهبردهای یاددهی - یادگیری، چاپ هفتم، ویراست دوم، تهران: مبتکران.
۱۶. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲)، دستور مفصل امروز، تهران: سخن.
۱۷. مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۱۸. مشکوه الدینی، مهدی (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۹. مشکوه الدینی، مهدی (۱۳۷۹)، توصیف و آموزش زبان فارسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۰. مقصود، نیلوفر (۱۳۷۶)، «شبکه نحوی افعال ساده و پربسامد زبان فارسی»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، استاد راهنما: دکتر سید علی میرعمادی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۱. موقن، یدالله (۱۳۷۸)، زبان، اندیشه و فرهنگ، تهران: هرمس.
۲۲. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۲)، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: توس.
۲۳. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۷)، دستور زبان فارسی. تهران: توس.
۲۴. وحیدیان کامیار، تقی؛ عمرانی، غلامرضا (۱۳۷۹)، دستور زبان فارسی (۱). تهران: انتشارات سمت.
۲۵. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی گفتاری. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

26. Sapir, Edward. (2014). English Language and Linguistics : General Interest, Historical Linguistics, Language and Linguistics. Cambridge University Press.

